

پاسخ حکومت به اعتراض های مردمی چیست؟

علی قادری

سرمقاله

ادامه کار مجلس و تصمیمات

شتابزده رییس جمهور

حفیظ الله زکی

یکی از مهمترین و ضروری ترین مؤلفه های دموکراسی « قانونگرایی » یا عمل به قانون است.

در دموکراسی اصل این است که از تمرکز قدرت جلوگیری شود و عمل و رفتار خود سرتانه از بین برود و انارشسیسم سیاسی و اجتماعی در سایه حاکمیت قانون، نیست و نابود گردد. در جامعه دموکراتیک همه از آزادیهای مدنی و سیاسی برخوردار می باشند و همه در برابر قانون مساوی هستند و قانون به گونه یکسان برهمگان تطبیق می شود.

اینجاست که رفتار مردم معیار پیدا می کند و تمامی کنش ها و واکنش ها در چوکات قانون مورد دآوری و قضاوت قرار می گیرد. تمام شهروندان از هر طبقه و طبقه ای باشند و در هر مقامی که قرار داشته باشند، ناگزیراند از قانون پیروی کرده و به احکام قانون احترام بگذارند. در این گونه جوامع قانون فصل الخطاب همه دعوای و اختلاف ها شناخته می شود و همه مؤظف اند که از قانون اطاعت کنند.

متأسفانه در چهارده سال گذشته با این که در افغانستان شعار دموکراسی سر داده می شد و همه از قانون سخن می گفتند، اما همین قانون از طرف خود قانونگذاران و مجریان آن بیرحمانه به تاراج برده شد.

رییس جمهور خود را ملزم به اطاعت از قانون نمی داند، وزرا و مقامات عالیتر به نیز به سادگی قوانین را نادیده گرفته و برای فرار از قانون توجیحات ناموجهی را پیشکش می کنند. پارلمان بارها قوانین را به نفع خود تفسیر کرده و حتا در تصویب بسیاری از قوانین منافع شخصی و کلاذ نقش مجوری داشته است.

به همین دلیل در تفسیر قوانین بارها میان قسوی تلاته دولت اختلاف به وجود آمده است. این اختلاف زمانی تبرزاز کرده که منافع قوی سه گانه با نحوه تفسیر قوانین مستقیم در ارتباط بوده است.

این اختلاف ها در نهایت علاوه بر سستره محکمه موجودیت نهاد دیگری به نام کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی را الزامی ساخت. ولی چون در افغانستان اصل، پیشبردن منافع شخصی و قومی است؛ تلاش براین نیست تا قانون مطابق منظور قانونگذار و معیار منافع ملی و اصول دموکراسی تفسیر گردد؛ بلکه هدف آورده کردن فضای سیاسی و حقوقی کشور و توجیه قوانین در راستای منافع های فردی و قومی و سازمانی است.

حال در قانون اساسی به صراحت آمده است که دوره کاری ولسی جرگه در اول سرطان سال پنجم بعد از اعلام نتایج انتخابات به پایان می رسد و ولسی جرگه جدید به کار خود آغاز می کند.

در این باره در میان خود اعضای ولسی جرگه نیز اختلاف نظر وجود داشت و حتا تعدادی از نمایندگان گفته بودند که پس از اول سرطان در مجلس حاضر نخواهند شد؛ اما بقیه نمایندگان با استناد به بند دوم این ماده قانون اساسی که دوام کار مجلس را به اعلام نتایج انتخابات منوط دانسته است، می گویند تا زمان برگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن این مجلس به کار خود ادامه می دهد. رییس جمهور هم به عنوان کسی که در رأس قوی سه گانه قرار دارد و هم به عنوان شخصی که وظیفه نظارت بر اجرای درست قوانین را به عهده دارد، در مورد ادامه کار مجلس به رایزنی پرداخت و در نهایت گفته شد که تصمیم در این باره را به سستره محکمه معول کرده است.

این تصمیم خشم نمایندگان مجلس را برانگیخت و آنها پیش نویس اعلامیه تنسدی را علیه رییس جمهور و حکومت آماده کرده اند. دیروز رییس جمهور مجبور شد که در برابر مجلس کوتاه بیاید و با انتشار یک نامه خبری بگوید که دوره کاری مجلس فعلی تا زمان اعلام نتایج انتخابات بعدی ادامه خواهد یافت.

این گونه موضع گیری های متغییر، متفاوت و متناقض نشانه این است که نهادهای دولتی نه برداشت واحدی از تفسیر قانون اساسی دارند و نه اراده جدی بر تطبیق واقعی قانون در جامعه. همه تصمیمات سلیقه ای و بر مبنای خواست های فردی گرفته می شود که معیارهای قانونی در آن لحاظ نمی گردد.

این است که پایه های دموکراسی در این کشور استحکام نمی یابد و این است که به حرکت های انارشسیستی در جامعه نقطه پایان گذاشته نمی شود.

از زمان شکل گیری حکومت وحدت ملی ناامیدی مردم نسبت به کارکرد حکومت کاهش چشم گیری یافته است. این ناامیدی ریشه در رفتار ها و کنش های حکومت وحدت ملی و نخبگان در رأس قدرت داشته است. در ذیل سعی می شود عوامل ناراضیاتی مردم از حکومت را بررسی نموده و در نهایت، خطر این ناراضیاتی برای حکومت را به بررسی بگیریم.

ناراضیاتی مردم ریشه در عوامل و مسائل ملموس و عینی و تاثیر گذار روی زندگی مردم بوده است. یکی از مهمترین عوامل رکود اقتصادی بوده است. از زمان که کارزار های انتخاباتی ریاست جمهوری آغاز شد. روز به روز، میزان سرمایه گذاری کاهش یافت. سرمایه ها از کشور خارج شد. بنا به گزارش وزارت مالیه، در حدود یازده میلیارد دلار سرمایه از افغانستان خارج شد. این مبلغ، به صورت کلی بازار اقتصادی افغانستان را با رکود مواجه ساخت. انتظار مردم این بود که با روی کار آمدن حکومت جدید، دگرگونی در بازار کار و اقتصاد به وجود آید. اما این مهم تحقق نیافت. بازار همچنان مثل سابق ماند. رکود بازار افغانستان منجر به ناراضیاتی مردم شد. اما این ناراضیاتی به شکل خفته باقی ماند. هیچ گروهی به شکل نمایان ناراضیاتی خود را بروز ندادند. اما این ناراضیاتی خفته در دل مردم در رویداد ها و رخداد های که اتفاق افتاد کمک کرد تا مردم ناراضیاتی خود را بروز دهند.

مهمترین رویداد ربهوده شدن ۳۱ گروگان در شاهراه کابل-قندهار-هرات بود. این مهم، باعث شد که بخش زیادی مردم در ولایات های مختلف به سرک ها بیایند و اعتراض خود را نسبت به کارکرد حکومت نشان دهند. اما، حکومت به شکل نمادین رفتار های از خود نشان داد تا از شدت اعتراض ها بکااهد. با این حال، این حرکت نمادین حکومت کارگر نیافتاد. حکومت نیروی امنیتی را در منطقه خاک افشان هدایت نمود اما قبل از اینکه حملات خود را آغاز نماید، مسئله را رسانه ای کرد. این خود

نشانی می دهد که حکومت وحدت ملی در صدد رهایی گروگان گرفته شدگان نبودند. با این حال، اعتراض ها ادامه یافتند و در نهایت، حکومت مجبور شد که تعدادی از زندانیان گروه های مخالف مسلح دولت را با گروگان گرفته شدگان تبادل نماید و ۱۹ تن از ربهوده شدگان تا هنوز در دست گروه های مخالف مسلح دولت است و حکومت در این قبال هیچ کاری را از پیش نبرده است.

اعتراض دیگر را معلمان مکاتب کشور سازماندهی نمودند. معلمان کشور با توجه به گفته های محمد اشرف غنی، رئیس جمهور خواستار افزایش معاش، گرفتن مسکن از حکومت بودند. این اعتراض از ولایت کابل آغاز شد و در کمترین زمان در نوزده ولایت کشور سرایت کرد. تا هنوز به صورت دقیق مشخص نیست که حکومت وحدت ملی با معلمان چه پاسخ گفته اند. اما اعتراض آن ها نشان می دهد که آن ها از وضعیت موجود و از کارکرد حکومت ناراضی است.

از این جهت، می توان گفت که بخش از ناراضیاتی بر می گردد به مسئله گفته های وعده های اشرف غنی و عبدالله عبدالله در زمان کارزار های انتخاباتی که اکنون به آن گفته های خودی به توجه است و وعده های خود را فراموش کرده است.

مسئله سوم، ربهوده شدن دو زن، یک کودک و سه مرد دیگر از سوی مخالفان مسلح دولت در راه غزنی جاغوری باعث ناراضیاتی مردم جاغوری شد. آن ها دیروز تظاهرات را سازماندهی کردند و از حکومت خواستند که این مسافران ربهوده شده را از دست گروه های دهشمت افکن و مخالف مسلح دولت آزاد نمایند. این تظاهرات نشان می دهد که صلح آمیزترین مردم کشور با روی کار آمدن حکومت جدید ناراضی است. وقتی مردم صلح دوست و آرام افغانستان دست به تظاهرات می زند، این نشان می دهد که حکومت در ده ماه گذشته نتوانسته است پایگاه اجتماعی برای خود دست و پا کند. نه تنها پایگاه اجتماعی دست و پا نکرده است

که دارد حمایت ها و پشتیبانی های مردم شان موجه نیست و نمی تواند قوانین را که دارد حمایت ها و پشتیبانی های مردم شان موجه نیست و نمی تواند قوانین را وضع نماید. این مسئله بدون شک، تأثیری بر ناراضیاتی مردم دارد. به عبارت دیگر، ناراضیاتی مردم نسبت به کارکرد حکومت افزایش می یابد.

بناور نگارنده بر این است که افزایش خیزش های مردمی ممکن منجر به سقوط حکومت گردد. برای همین، افزایش اعتراض ها نگران کننده است. بنابراین، لازم است که حکومت نسبت به عواملی که منجر به افزایش اعتراض ها می شود، توجه نماید. در روز های آینده تلاش نماید تا ربهوده شدگان را آزاد نماید. امنیت راه های مواصلاتی را تأمین نماید تا دوباره چنین رویداد های تکرار نشود. حکومت این ظرفیت را دارد تا راه های مواصلاتی مردم جاغوری را تأمین نماید. از این جهت، هم اعتراض مردم به جا است و هم نخبگان سیاسی در رأس قدرت پاسخی برای



معلمین، اشرف غنی و عبدالله عبدالله باید به یاد آورده که چه وعده های به مردم داده است. به وعده های خود وفادار بماند و تلاش ورزد تا اقدامات را روی دست بگیرد تا وعده های شان تحقق یابد.

اشرف غنی و عبدالله عبدالله خود می داند که هیچ راهی جز توجه به خواست ها و اعتراض های مردم ندارد. در شرایط قرار گرفته اند که همه راه ها بر روی شان بسته است. نه می تواند مردم را سرکوب نماید. چون هم غیر قانونی است و هم سرکوب مردم منجر به افزایش اعتراض ها می شود. کم هزینه ترین و عقلانی ترین راه ممکن توجه به خواست های مردم است. هر دو باید از ظرفیت های موجود استفاده نمایند. نگذارند که وضعیت امنیتی بدتر از این شود و گروگان گیری به یک فرهنگ تبدیل شود. در صورت بی توجهی، بدون شک، حکومت شان در کمترین زمان ممکن سقوط خواهد کرد. خلاص قدرت یک بشار دیگر، قربانی های زیادی را از مردم افغانستان خواهد گرفت.

معارف عامل بنیادین تحول و توسعه است

عبدالرحمن فهیمی

کمک کنندگان مالی خارجی می دادند و از این طریق پول های ریخته شده اضافی را به جیب می زدند. گفته می شود که در برخی مناطق در حال که اصلا معلم



وجود نداشته و تدریس نمی کرده است، نام های آن ها گزارش داده شده و حتی مکتب وجود نداشته اما گزارش داده شده و امکانات مالی دریافت شده است. گرچند وزیر قبلی معارف چنین بحث را رد کرده و غیر ممکن خوانده است، اما می توان گفت که فساد در سطوح مدیریتی بالا و پایین وزارت معارف موجود بوده و می باشد.

مدیران که در مرکز هستند و نیز رییس های معارف در ولایت ها و مدیران معارف در ولسوالی ها هر کدام به نوبه خود تخلف کرده اند و خواهند کرد. بنابراین، باید فساد در معارف و نهاد تعلیم و تربیت کشور جدی تلقی گردد. فساد در این نهاد، از یک سو باعث می گردد، کارکردهای اصلی تحت الشعاع قرار گیرد و از سوی دیگر، کمک های خارجی در این بخش کاهش یابد. کونن، بروس، میاتی جامعه شناسی، ترجمه: غلام عباس توسللی و رضا فاضل، نشر: سمت، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴ . همان . همان، ص ۱۹۶ . از کیا، مصطفی، غلام رضا غفاری، جامعه شناسی توسعه، ۹۶، نشر: انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱

مهم نیازمند است. نخست پول و امکانات مالی لازم و دوم، نیروی انسانی متخصص و ماهر که بتوانند جریان را به صورت درست و اساسی مدیریت و عملی نمایند.

پذیری را در میان نوجوانان که ممکن است از گروه های قومی مختلف باشند، تزییق می کند. به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت، نقش جدی در تحول و تغییر اجتماعی و همبستگی اجتماعی ایفاء می کند.

در جوامع سنتی، بر پایه حاکمیت ارزش های اجتماعی کهن و قدیمی، روابط اجتماعی میان انسان ها بیشتر خونی و تباری و ایمل گرایانه می باشد. به لحاظ تفکیک جنسیتی، نوع نگاه به زن، غیر انسانی است.

از این رهگذر، هویت اجتماعی انسان های ساکن یک سرزمین، ماهیت تباری دارد. انسان ها بیشتر از رهگذر شناسه قبیله و قوم شناخته و تعریف می شوند نه از رهگذر شناسه جامعه و سرزمین که در آن می زینند. هویت در این جامعه پاره پاره بوده و به بخش های مختلف تقسیم می گردد.

به زن به عنوان موجود درجه دوم، ناقص العقل و موجود خانگی نگاه شده و حکم تجویز شده این است که نباید هیچ اراده و اختیار از خود داشته باشد بلکه باید کاملا در اختیار مرد باشد.

بنابراین، تعلیم و تربیت بستر جهت تحول و تغییر و عبور از این مرحله ای اجتماعی است. سیستم تعلیمی از یک سو داشته های فرهنگی و ارزش های اجتماعی را به نسل آینده منتقل می کند و از سوی دیگر، با نقد و تحلیل آن ها، بر حفظ برخی و حذف برخی از آن ها تاکید می کند.

از این روی، معارف یا تعلیم و تربیت، مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع است. همه کشورهای رشد یافته و توسعه یافته این نهاد مهم را جدی تلقی کرده و امروزه به مراحل مهم از رشد و توسعه دست یازیده اند. نمونه بارز در این مورد، جاپان است. این کشور با سرمایه گذاری و توجه ویژه به معارف، به سرعت حتی سریع تر از کشورهای غربی، مراحل از رشد را پیعود.

دوم: تربیت نیروهای مسلکی و متخصص تعلیم و تربیت مهارت ها و نگرش های لازم را در راستای رشد و توسعه اقتصادی در جوامع خلق می کند. در درون سیستم تعلیم و تربیت، مشاغل و مهارت های جوانان در هر بخش، مشخص شده و متخصصین و ماهرین در هر بخش تربیه می شود.

به نظر می رسد که توسعه به دو مؤلفه ای

آموزش و پرورش به عملی فرایندی اطلاق می شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می شود.

معارف تعلیم و تربیت -نقش مهم و گسترده ای در انتقال فرهنگی و دانایی، تربیت افراد شایسته و آشنا کردن با محیط اجتماع، دارد. به صورت عموم می شود گفت که تعلیم و تربیت دو کارکرد مهم دارد:

یکم: عبور از جامعه سنتی به جامعه مدرن تعلیم و تربیت، داشته های فرهنگی جامعه را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند، ارزش های نهادینه شده در جامعه را نقد می کند، به صورت پنهانی ارزش های اجتماعی و سیاسی جامعه را به دانش آموزان منتقل می کند و روحیه همدیگر

کارتون روز



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine